

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۲

سطح ۲

درس ۲۱

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای خادمی

در ادامه مباحث کتاب الصلوات، پس از آن که مصنف احکام نماز مثل شرایط، ارکان، واجبات و مسائلی چون شکایات را مطرح کردند، بحث نماز مسافر را مورد بررسی قرار می‌دهند. در این درس با احکام و شرایط قصر نماز که در قالب شش شرط مطرح شده‌اند آشنا شده و به بررسی مستندات برخی از آنها می‌پردازیم.

## متن عربى

صلاة المسافر.

تقصر الرباعية بالسفر الى ثنتين بشرط:

القصد المستمر لقطع المسافة - ثمانية فراسخ - امتدادية او ملققة و لو لم يرد الرجوع فى نفس اليوم.

و عدم قصد المرور بالوطن او اقامة عشرة قبل بلوغ المسافة.

و ان يكون السفر مباحا،

و عدم اتخاذ السفر عملا،

و ان لا يكون ممن بيته معه.

و الوصول الى حد الترخص، و هو المكان الذى لا يرى فيه اهل البلد او لا يسمع فيه صوت اذانه.

و المستند فى ذلك:

١. اما لزوم التقصر فى السفر و عدم التخيير بينه و بين الاتمام - كما هو عند غيرنا - فمما لم يقع فيه خلاف بيننا بل هو من الضروريات.

وفى الحديث: «ان التقصير صدقة من الله بها على المسافر، و هل يسر احدكم اذا تصدق بصدقة ان ترد عليه» و فى حديث زرارة عن ابي جعفر عليه السلام «سمى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قوما صاموا حين افطر و قصر عصاة و قال: هم العصاة الى يوم القيامة، و انا لنعرف ابنائهم و ابناء ابنائهم الى يومنا هذا».

٢. و اما ان القصر يختص بالرباعية و بحذف الركعتين، فهو من الضروريات ايضا؛ و تدل عليه بعض النصوص.

٣. و اما اشتراط القصر بقطع مسافة معينة، فهو مما لا خلاف فيه بيننا.

و نسب الى داود بن على الظاهرى و محمد بن الحسن الاكتفاء بصدق عنوان المسافر.

٤. و اما ان مقدار المسافة ثمانية فراسخ، فقد دلت عليه روايات تتراوح بين ٢٠ - ٣٠ رواية، ورد فى بعضها التعبير بثمان فراسخ، و بياض يوم، و ٢٤ ميلا، و مسيرة يوم، و بريد فى بريد؛ و المقصود من الجميع واحد.

و فى بعضها عبر: بريد ذاهبا و بريد جائيا، و مسيرة ١٢ ميلا، و اربعة فراسخ؛ و ذلك محمول على من يقصد الرجوع.

٥. و اما اعتبار القصد، فيمكن اثباته بان التقصير لما جاز عند حد الترخص بالرغم من عدم تحقق قطع المسافة خارجا، فلازم ذلك كون المدار على قصد القطع.

هذا مضافا الى امكان التمسك بموثقة عمار الآتية فى رقم (٨).

## نماز مسافر<sup>۱</sup>

از جمله احکامی که مربوط به بحث نماز می‌شود، نماز مسافر است. علت مطرح شدن این بحث این است که نماز مسافر با حاضر در کیفیت و احکام متفاوت است.

در ابتدا اشاره‌ای به کلیات این بحث می‌کنیم:

نمازهای چهار رکعتی در سفر قصر شده و تبدیل به دو رکعتی می‌شوند<sup>۲</sup>، البته این متوقف بر شش شرط می‌باشد:

۱. بیشتر بدانیم درباره فلسفه احکام آنچه در این باره به نظر می‌رسد این است که مراد از «فلسفه احکام» همان حکمت‌ها و مصالح و مفاسدی است که احکام الهی بر محور آن دور می‌زند.

به عبارتی، مراد ما از علت و فلسفه در اینجا همان حکمت‌هاست و به تعبیر دیگر مصالح و مفاسدی است که در دستورات شارع مقدس اسلام به عنوان «جلب المنفعة و دفع المضرة» معرفی شده است. نه اینکه مراد از فلسفه و علت و سبب، آن عناوین و علل و اسباب حقیقی باشد که در علوم طبیعی و فلسفی مطرح شده است؛ لذا در کتب اصولی پیروان اهل بیت علیهم السلام تصریح شده است که مصالح و مفاسد به منزله‌ی علل احکام است و بعضی از دانشمندان معاصر اهل سنت واژه‌های «علت»، «سبب»، «مناط»، «دلیل»، «باعث» و ... را مترادف و در ردیف هم قرار داده‌اند. درباره‌ی تعریف علت و ماهیت آن می‌گویند:

دانشمندان علم اصول «علت» را با تعریفات گوناگون معرفی کرده‌اند. ولی به نظر ما «علت» آن چیزی است که علامت و نشانه روشنی برای حکم بوده باشد. مانند «اسکار» - مست کردن - که علامت و نشانه تحریم خمر است، در سخن خداوند که می‌فرماید: «از آن اجتناب کنید». در نتیجه هر زمان در هر چیز آشامیدنی این علامت تحقق یابد آن چیز را مساوی با حکم خمر می‌دانیم و آن را حرام می‌شماریم.

این صفت «اسکار» را «علت» حکم می‌نامند، همانگونه که «سبب» «مناط»، «دلیل»، «باعث» و «وصف جامع» نیز به آن گفته می‌شود؛ و این همان اساس و ریشه تسری حکم از اصل به فرع است.

توجه به این نکته ضرورت دارد که علت حکم را نباید با حکمت و فلسفه‌ی آن خلط کرد. مثلاً علت قصر نماز مسافر، نفس سفر است - با شرایط مخصوص - اما حکمت و مصلحت آن، مثلاً رفع مشقت و زحمت سفر است. حال اگر سفر برای بعضی هیچ زحمت و مشقتی نداشته باشد و حتی با وسائل مخصوص امروزی راحت‌تر از منزل و وطن شخص باشد، باز نماز قصر است چرا که علت آن به قوت خود باقی است و حکم دائر مدار علت خود می‌باشد. از این رو، اگر کسی مسافر نباشد و در وطن خویش اقامت دارد، ولی به خاطر خستگی ناشی از کار، در زحمت است، نمی‌تواند نماز خود را قصر بخواند.

و شاید خلط کردن علت حکم با فلسفه و حکمت آن و عدم تمییز و تشخیص آن‌ها سبب شده باشد که احکام الهی دست خوش تحریف و تغییر قرار گیرد و احکام آسمانی رنگ زمینی به خود بگیرد!!

۲. در دهه‌های اخیر در باره نماز مسافر، هم در رسایل عملیه و توضیح المسائل‌ها هم در دیگر کتابها و سخنان، تعبیری قطعاً نادرست به کار می‌رود که معلوم نیست چه کسی آن را رواج داده و از چه زمانی بر سر زبانها افتاده است؟ این تعبیر نادرست «نماز شکسته» است. تعبیر قرآنی نماز مسافر «قصر» کوتاه و تعبیر روایات «قصر» و «تقصیر» است: «وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» سوره نساء، آیه ۱۰۱.

در ترجمه‌های فارسی قدیم و بیشتر ترجمه‌های فارسی جدید و تفاسیر فارسی قدیم در ترجمه و تفسیر این آیه‌ی شریفه تعبیر «نماز قصر» و «نماز کوتاه» به کار رفته است و احدی تعبیر «نماز شکسته» را استعمال نکرده است همچنین در متون قدیم فقه که به زبان فارسی نگاشته شده است تنها تعبیر «نماز قصر» و «نماز کوتاه» و «تقصیر» دیده می‌شود نه «نماز شکسته»؛ از جمله در ترجمه فارسی مختصر نافع که مرحوم محمد تقی دانش پژوه تصحیح و چاپ کرده است. همچنین در ترجمه فارسی نه‌یامه شیخ طوسی، از سده‌ی هفتم یا پیش از آن، چنین عباراتی دیده می‌شود: نماز کوتاه به کردن در سفر واجب است ...

واجب باشد نماز کوتاه کردن ...).

مخیر باشد در آنکه تمام بکند و تقصیر کند. «النهایه»، ج ۱، ص ۱۳۳، تحقیق محمد تقی دانش پژوه.

همچنین در کتاب وجه دین از ناصر خسرو قبادیانی - ۴۸۱ - می‌خوانیم: ﴿﴾

## شرائط قصر نماز

۱. قصد داشته باشد که مسافت شرعی که هشت فرسخ است را طی کند و در طول سفر قصد او استمرار داشته باشد. چه هشت فرسخ را به صورت ممتد و به هم پیوسته طی کند و چه به صورت تلفیقی، یعنی رفت و برگشت او هشت فرسخ باشد؛ و لازم نیست که در صورت تلفیقی بودن طی مسافت، بازگشت او در همان روز باشد، بلکه اگر قصد هشت فرسخ کند و چهار فرسخ آن را امروز برود و چهار فرسخ دیگر را فردا برگردد مسافر شرعی محسوب شده و وظیفه او قصر نماز است.<sup>۱</sup>

کف نماز کوتاه شاید کردن مسافر را مگر که اندر راه حج باشد یا اندر راه جهاد...

... و نیز گوئیم اندر بیان تقصیر مرابین سه نماز را: نماز پیشین و نماز دیگر و نماز خفتن؛ و کوتاه ناکردن نماز بامداد و نماز شام... و نیز گوئیم که نماز بامداد و شام پنج رکعت است و در آن دو تقصیر نیست.

... و در نماز حضر تقصیر نیست... «وجه دین، ص ۱۳۹-۱۴۱».

حتی در آثار فقهی فارسی متأخر، مانند جامع عباسی «ص ۸۸-۹۰» از شیخ بهایی م- ۱۰۳۰- و جامع الشتات میرزای قمی م- ۱۲۳۱- و ذخیره العباد «ص ۱۴۰-۱۵۲» از میرزای شیرازی دوم م- ۱۳۳۸- تعبیر «قصر» به کار رفته است نه «شکسته».

اما شیخ انصاری رحمه الله در صراط النجاة «ص ۱۶۰-۱۶۴» با اینکه بارها تعبیر قصر را به کار برده تعبیر «شکسته کند» را نیز فراوان استعمال کرده است.

بنابراین، برای اینکه از تعبیر مطابق قرآن کریم و روایات شریفه پیروی شود باید گفت: «نماز قصر» یا «نماز کوتاه»، نه تعبیر نادرست و احياناً موهن «نماز شکسته»؛ زیرا غالباً تعبیر «نماز را شکستن» به معنای ابطال نماز به کار می‌رود. امیر خسرو گوید:

ره غلط شد عنان بگردانم قبله کژ شد نماز بشکستم.

۲. آیا مسافت شرعی در سفر از نظر مقدار طولی و مکانی، همان مسافت شناخته شده در دوران نصوص است.

یا با توجه به تفاوت وسایل نقلیه‌ی سفر در زمان‌های مختلف، مقدار این مسافت نیز متفاوت می‌شود؟

گفته می‌شود هم‌ی روایاتی که در تعیین مسافت وارد شده است، مقدار مسافت را با واحد طولی، مانند هشت فرسخ یا بیست و چهار میل، تعیین نکرده است تا بگوئیم این مقدار با تغییر زمان یا تغییر وسایل نقلیه، تغییر می‌کند، بلکه روایات مزبور با تعبیرهای مختلفی وارد شده است که می‌توان آن را در سه دسته خلاصه کرد:

دسته اول: تعیین مسافت با واحد طولی.

یا به عبارتی با مقدار فاصله‌ی مکانی از وطن، مانند:

۱. صحیح‌ه عبدالله بن یحیی کاهلی: از امام صادق (ع) شنیده شد که در باره کوتاه شدن نماز فرمود: یک برید در یک برید، یعنی بیست و چهار میل و سائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۲، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۳.

این روایت در نقل شیخ «استبصار»، ج ۱، ص ۲۲۳، حدیث ۲۷۸۷. چنین است، اما در نقل صدوق این اضافه را دارد: پدرم فرمود: در کوتاه شدن نماز، قاطر تندرو یا حیوان سریع السیر ملاک نیست، بلکه ملاک حرکت قطار شتران است. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۳۶، ح ۱۲۶۸ در سند این حدیث شخص ضعیفی وجود ندارد تا از عمل به حدیث بازمانیم، مگر عبدالله کاهلی که برای اعتماد به وی، نقل بزنتی از او کفایت می‌کند. به علاوه آنکه نجاشی گفته است: «عبدالله چهره‌ای سرشناس نزد ابی الحسن (ع) بود». «رجال النجاشی»، ص ۲۲۱.

۲. روایت فضل بن شاذان از امام رضا (ع) که در نامه‌ای به مأمون فرمود: «نماز در هشت فرسخ و بیش از آن کوتاه می‌شود و زمانی که نماز کوتاه باشد روزه نیز افطار می‌شود». ص ۴۵۳، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۶

اشکال سند در این حدیث همان اشکالی است که در اسانید صدوق به فضل بن شاذان وجود دارد.

۳. روایت محمد بن مسلم از امام باقر (ع) از پدرشان از پیامبر (ص) که فرمود: نماز را در دو برید باید کوتاه خواند. ص ۴۵۵، ح ۱۷

در سند این حدیث، علی بن محمد بن قتیبه است؛ چون شیخ حرّ عاملی، این حدیث را از رجال کشی از علی بن محمد بن قتیبه از فضل بن شاذان از پدرش از تعدادی از یاران ما از محمد بن حکیم و از دیگران از محمد بن مسلم، روایت کرده است.

۴۵۴. روایت عیص بن القاسم از ابی عبدالله (ع) که درباره‌ی کوتاه شدن نماز فرمود: «حدّ کوتاه شدن نماز، بیست و چهار میل است». و سائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۵۴ و ۴۵۵، ح ۱۴

اشکال سندی در این حدیث، اشکال سند شیخ تا علی بن الحسن بن فضال است؛ چون وسائل الشیعه این حدیث را از شیخ نقل کرده است و شیخ آن را به علی بن الحسن بن فضال اسناد داده است. ولی آنچه در تهذیب «تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۲۲۱، ح ۲۲» وجود دارد، حسن بن علی بن فضال است نه علی بن الحسن بن فضال و طبق کتاب «الفهرست» «الفهرست، ص ۹۷-۹۸» سند شیخ به حسن بن علی بن فضال صحیح است. اگر چه گمان می‌رود آنچه در وسائل الشیعه آمده است صحیح باشد؛ زیرا همین روایت در کتاب «استبصار» «استبصار، ج ۱، ص ۲۲۳، ح ۳۷۸۸» با این عنوان آمده است: «احمد بن عبدون از علی بن محمد بن الزبیر از علی بن الحسن بن فضال ... به من خبر داده است.» و شیخ در مشایخ تهذیب سندی به حسن بن علی بن فضال ندارد ولی به علی بن الحسن بن فضال سند دارد.

۵. صحیحہ معاویہ بن وهب: به ابی عبدالله (ع) عرض کردم کم‌ترین حدی که مسافر باید نمازش را کوتاه بخواند چیست؟ فرمود: یک برید برود و برگردد. و سائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۵۶، باب ۲ از ابواب صلاة المسافر، ح ۲

۶. صحیحہ یزید الشحام: از ابا عبدالله (ع) شنیدم که فرمود: مسافر باید نمازش را در مسیر دوازده میلی کوتاه بخواند. و سائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۵۶، باب ۲ از ابواب صلاة المسافر، ح ۳

۷. صحیحہ زرارہ از ابی جعفر (ع) که فرمود: «نماز در یک برید، کوتاه خوانده می‌شود و برید چهار فرسخ است.» و سائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۵۶، باب ۲ از ابواب صلاة المسافر، ح ۱

۸. صحیحہ زرارہ: از ابا عبدالله (ع) در به اره کوتاه شدن نماز پرسیدم، فرمود: در یک برید رفت و یک برید برگشت. و سائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۶۱، باب ۲ از ابواب صلاة المسافر، ح ۱۴

دسته دوم: با واحد زمانی تعیین مسافت کرده است؛ مانند:

۱. روایت سعید بن یسار با سندی که در سلسله‌ی آن عمرو بن حفص یا عمر بن حفص است:

از امام صادق (ع) درباره‌ی مردی که در ماه رمضان برای مشایعت برادرش بیرون می‌رود و به مسیر یک روزه می‌رسد و یا به همراه شخصی از برادرانش بیرون می‌رود، پرسیدم که آیا افطار کند یا روزه بگیرد؟ فرمود: افطار کند.

۲. موثقه زرارہ از ابی جعفر (ع): گفتم: مردی در ماه رمضان برای مشایعت برادرش یک روز یا دو روز به راه می‌افتد؟ فرمود: روزه‌اش را افطار می‌کند و قضای آن را به جا می‌آورد. و سائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۸۴، باب ۱۰ از ابواب صلاة المسافر، ح ۸. دلالت دو حدیث مزبور بر واحد زمانی، دشوار است.

۳. صحیحہ علی بن یقطين:

از امام کاظم (ع) درباره‌ی مردی که به سفر می‌رود، پرسیدم. فرمود: براو واجب است که در مسیر یک روز، نماز را کوتاه بخواند، اگر چه این کار را تکرار کند. و سائل، ج ۸ ص ۴۵۵، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۱۶

اشکال این روایت آن است که با اخباری که می‌گوید اگر کسی سفر را تکرار کند باید نماز را کامل بخواند، معارض است. «وسائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۸۴-۴۸۸، ب ۱۱ از ابواب صلاة المسافر».

دسته سوم: روایاتی است که شامل هر دو واحد طولی و زمانی است، به نحوی که گویا این دو واحد یکی هستند؛ یعنی مضمون این دسته از روایات به گونه‌ای است که شامل هر دو واحد می‌شود؛ مانند:

۱. موثقه سماعه: درباره‌ی مسافر از او پرسیدم که در چه مسافتی نماز کوتاه می‌شود؟ فرمود: در مسیر یک روز که دو برید است و دو برید هشت فرسخ است. و سائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۵۳، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۸

۲. صحیحہ ابی ایوب: از امام (ع) درباره‌ی کوتاه شدن نماز پرسیدم، فرمود: در سفر به اندازه‌ی دو برید یا به اندازه‌ی روشنایی روز، نماز کوتاه است. و سائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۵۳، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۷

۳. امام صادق (ع) عرض کردم: در چه مسافتی نماز مسافر کوتاه است؟ فرمود: در مسافتی که در روشنایی روز طی شود یا به اندازه‌ی دو برید باشد. و سائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۵۳، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۱۱

در زمان صدور این روایات، هیچ تعارض یا تضاد می بین واحد مکانی و واحد زمانی در ذهن خطور نمی کرد؛ زیرا هر دو واحد بر سیر شتران منطبق بوده است و در آن زمان حمل و نقل با شتر معمول تر و متداول تر از دیگر حیوانات تندرو یا کندروتر بوده است و متعارف سیر شتر پیمودن هشت فرسخ در روشنایی روز بود؛ بنابراین مهم نبوده که مقیاس اصلی در تعیین مسافت، واحد زمانی باشد یا واحد مسافتی یا این که هر دو به یک مقیاس اشاره داشته باشند.

ولی امروزه یکی از این دو مقیاس به حسب متعارف با مقیاس دیگر متفاوت است. اگر واحد طولی یا مکانی را معتبر بدانیم، این واحد همان است که از قبل بوده و معنی ندارد که این واحد روزی متبدل و دگرگون گردد. اما اگر واحد زمانی را معتبر بدانیم و واحد مکانی و مسافتی را عنوان مشیر به واحد زمانی بدانیم در این فرض، واحد زمانی امروز نسبت به گذشته، یقیناً دگرگون شده است. امروزه هیچ کس - مگر در موارد بسیار نادر - با شتر مسافرت نمی کند و در حالت عادی با وسایل نقلیه جدید، مانند اتومبیل یا هواپیما یا کشتی سفر می کنند. گامی در جمع بین روایات.

در زمان حاضر میان این روایات تعارض ایجاد شده است. گفته می شود: ممکن است در جمع میان این روایات به دسته چهارمی از روایات رجوع کنیم که ظهور در آن دارد که مقیاس اصلی، واحد زمانی است و تعیین مسافت به جهت مطابقت با واحد زمانی بوده است. به سخنی دیگر می توان گفت این دسته از روایات بر روایات دیگر حکومت دارد.

این دسته از روایات در چند حدیث مصداق دارد از قبیل:

۱. صحیحہ عبداللہ بن یحیی کاهلی که در دسته نخست طبق نقل شیخ طوسی ذکر گردید و در آن آمده بود: «باطی مسافت یک برید دریک برید که بیست و چهار میل است، نماز کوتاه می شود». بر اساس این نقل، روایت جزء دسته اول محسوب می شود، اما در نقل صدوق در ذیل حدیث، این عبارت اضافه شده است که: پدرم می فرمود: کوتاه شدن نماز بر اساس سیر قاطر تندرو یا حیوان سریع السیر وضع نشده است، بلکه براساس سیر قطار شتران وضع شده است.

اگر مقیاس اصلی واحد مسافتی و مقدار، فاصله مکانی بوده است تفاوتی ندارد که سفر - طبق تعبیر روایت - با قافله شتران باشد یا با قاطر تندرو یا با حیوان سریع السیر یا با هواپیماهای تیزرو در زمان ما. برید همان برید و میل همان میل و بیست و چهار فرسخ همان بیست و چهار فرسخ است بدون آن که وسیله سفر تأثیری در آن داشته باشد. پس این که امام می فرماید: «کوتاه شدن نماز براساس سیر قاطر تندرو یا حیوان سریع السیر وضع نشده است، بلکه براساس سیر قطار شتران وضع شده است» یعنی آن که مقیاس اصلی واحد زمانی یک روز است و چون قطار شتران در روشنایی روز بیست و چهار میل سیر می کردند گفته ایم مسافتی که نماز در آن کوتاه می شود بیست و چهار میل است. پس اگر امروزه واحد زمانی با واحد مکانی اختلاف پیدا کرده است باید از واحد زمانی پیروی کنیم.

۲. حدیث فضل بن شاذان که صدوق آن را با اسناد خود به فضل بن شاذان، روایت کرده است. این حدیث بدان صورت که در دسته نخست نقل کرده ایم جزء آن دسته محسوب می شود، ولی صدوق با اسناد خود به فضل بن شاذان این روایت را از امام رضا (ع) این گونه نقل کرده است: فضل می گوید: از امام رضا (ع) شنیده ام که فرمود «کوتاه خواندن نماز در هشت فرسخ واجب است نه کمتر از آن و نه بیشتر؛ زیرا هشت فرسخ برای مردم و قافله ها و باربرها مسیر یک روز است و در مسیر یک روزه، نماز کوتاه می شود. اگر در مسیر یک روزه نماز کوتاه نباشد در مسیر هزار ساله هم کوتاه نخواهد بود؛ زیرا هر روز بعدی نیز مانند روز قبلی است. اگر در روز اول کوتاه نیست در نظیر آن هم کوتاه نخواهد بود؛ زیرا نظیر روز اول، همانند همان روز اول است و فرقی بین آنها نیست». وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۱، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۱.

۳. در علل الشرایع و عیون أخبار الرضا (ع) این کلام اضافه گردیده است: سرعت سیر مختلف است، سیر گاو چهار فرسخ و سیر اسب بیست فرسخ است. از این جهت مسیر یک روز هشت فرسخ تعیین شده که هشت فرسخ سیر شتر و کاروان هاست، اغلب چنین است و این بیشترین حد سیری است که شترداران می پیمایند. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۱، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۲.

آیا این عبارات بدان معنا نیست که مقیاس اصلی، واحد زمانی است و واحد طولی در پرتو واحد زمانی طرح شده است؟

۴. روایت محمد بن مسلم با سندی که در آن، سند شیخ به علی بن الحسن بن فضال است از امام باقر (ع):

از امام درباره کوتاه شدن نماز پرسیدم، فرمود: دریک برید شکسته است: عرض کردم: یک برید؟ فرمود: وقتی یک برید برود و یک برید برگردد تمام روز او را پُر می کند. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۹، باب ۲ از ابواب صلاة المسافر، ح ۹.

مگر روایت یک برید را از آن جهت کافی می داند که باید از آن برگردد و چون برگردد او به مقدار روشنایی روز مشغول سفر بوده است و این یعنی آن که مقیاس اصلی روشنایی روز است.

۵. مرسله صدوق در مقنع: «امام صادق (ع) دربارهٔ مردی که برای معامله به بازاری در چهار فرسخی منزلش می‌رود سؤال شد که اگر با مرکب برود در کمتر از یک روز می‌رسد و اگر با کشتی برود در یک روز هم نمی‌رسد، فرمود: اگر سواره برود و همان روز برگردد روزه می‌گیرد ولی اگر با کشتی برود روزه‌اش را افطار می‌کند». وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۷، باب ۳ از ابواب صلاة المسافر، ح ۱۳.

این تنها روایتی است که علاوه بر دلالت بر این که مقیاس اصلی، واحد زمانی است نه واحد امتدادی، همچنین دلالت دارد بر این که اگر وسیله‌ی سفر متفاوت باشد، در محاسبه‌ی مسافت تأثیر می‌گذارد و تنها مسیر شتران در احتساب مسافت ملاک نیست در حالی که از روایات دیگر این گونه بر می‌آید، که مقیاس سفر باید منطبق با وسیله‌ای باشد که بیشتر در بین مردم، متعارف است.

شاید در جمع بین این روایت و روایات دیگر بتوان گفت: در روایت اخیر فرض نشده که اختلاف وسیله سفر تأثیر در حکم دارد، آنچه مؤثر است اختلاف مسیر است. راه آبی با مقیاس خود سنجیده می‌شود و راه خشکی با معیار خود؛ چون در حدیث فرض شده است که راه خشکی به اندازه‌ی نصف روز زمان می‌برد؛ زیرا مسافت آن چهار فرسخ بوده است و فرض بر آن بوده که در همان روز بر نمی‌گردد تا سفرش تمام روز را اشغال کند؛ بنابراین حکم شده که روزه را بگیرد ولی در راه آبی فرض بر آن بود که سفر، یک روز او را اشغال می‌کند؛ لذا حکم به افطار روزه شده است. در نتیجه امروزه، باید برای هر یک از سفرهای زمینی با اتومبیل‌ها و سفرهای دریایی با کشتی‌ها و سفرهای هوایی با هواپیماها، مقیاس ویژه‌ای در نظر بگیریم و در هر یک از این بخش‌ها آنچه را بیشتر در بین مردم رواج دارد ملاک قرار دهیم.

ولی انصاف آن است که روایت اخیر، یعنی مرسله مقنع به طور کلی از محل بحث خارج است؛ چون مفاد روایت این گونه است: «مسافری که همان روز بر می‌گردد علی‌رغم آن که رفت و برگشت او هشت فرسخ است، باید روزه بگیرد به این معنی که اگر مسافر در همان روزی که به سفر رفته است به وطن بازگردد، روزه‌ی او صحیح است. حال فرقی ندارد که این حکم را به اطلاق خود بگذاریم یا آن را مقید به ادله‌ای کنیم که می‌گوید باید قبل از زوال - ظهر - برگردد. اما مسافری که به وسیله کشتی از راه دریایی سفر می‌کند، سفر او به طول می‌انجامد و نمی‌تواند در همان روز به وطن برگردد، لذا باید افطار کند».

علاوه بر آن که مرسله مقنع از نظر سند حجیت ندارد. با قطع نظر از این روایت به سبب ضعف سند و دلالت آن، این سؤال باقی می‌ماند که آیا مقیاس، وسیله‌ای است که بیشتر در بین مردم رایج است و آن را با روشنایی روز می‌سنجیم، بدون آن که بین سفر زمینی یا دریایی یا هوایی فرقی باشد یا مقیاس، هشت فرسخ است و وسیله سفر هر چه باشد تفاوتی ندارد؟  
حلّ تعارض.

اکنون به طور موقت روایاتی را که طبق نظریه مقیاس زمانی، حاکم بر روایات مقیاس مکانی بوده، کنار می‌گذاریم و به روایات متعارضی که برخی از آن‌ها با فرسخ، و برخی با روز و بعضی با هردو تعیین مسافت کرده است، نگاه می‌کنیم در جمع بین این روایات توجه به دو نکته لازم است. نکته اول - روشن است که مقدار هشت فرسخ، اندازه‌ی واقعی دارد در حالی که سیر به مقدار روشنایی روز، اندازه‌ی واقعی ندارد؛ زیرا این سیر نسبت به وسیله‌های مختلف سفر و کوتاهی و بلندی روز، متفاوت است و حتی سفر متعارف در فصلی از فصول، اندازه‌ی آن را مشخص نمی‌کند. در آن زمان سفر با اسب همانند سفر با شتر متعارف بوده است، اما مقدار مسافتی را که با شتر طی می‌کردند به ویژه شتری که بارسنگین حمل می‌کرده، با مسافتی که با اسب طی می‌شده، بسیار متفاوت بوده است. نکته دوم - تعیین فرسخ با علایم میل در غالب سفرها در آن زمان بسان امروز رایج نبوده است. تنها مقیاسی که می‌توانستند در بیشتر سفرها با آن، فرسخ‌ها را معین کنند این بود که مدت زمان سیر را اماره‌ای برای اندازه‌گیری مسافت قرار دهند. با توجه به این دو نکته می‌توان گفت: آنچه عرف از جمع بین این روایات می‌فهمد آن است که اندازه‌گیری سفر با فرسخ، اندازه‌گیری واقعی است که کم و زیاد ندارد. اما اندازه‌گیری با روشنایی روز، اندازه‌گیری اماره‌ای است برای آن که معلوم کنند چند فرسخ طی شده است. بر این اساس، ائمه (ع) روشنایی روز را نشانه‌ای قرار دادند تا با آن، مقدار سیر را مشخص کنند و این علامت را به لحاظ سیر قافله شترانی که برای حمل و نقل در آن زمان مرسوم بوده تعیین کرده‌اند. پس مقیاس قرار دادن سیر شتران بدان سبب نبود که سیر شتران برای مسافران شناخته شده‌تر از سیر اسب بود و بیشتر سفرها با شتر انجام می‌گرفت، بلکه بدین سبب بود که سیر شتران در عرف آن زمان مطابق با هشت فرسخ در روز بوده است.

شاهد این مدعا، آن است که پیش‌تر اشاره کردیم که روشنایی روز در روزهای بلند با روزهای کوتاه بسیار تفاوت دارد، ولی آنچه همواره ثابت بوده و به نسبت بلندی و کوتاهی روز تغییر نمی‌کرده، این بوده که ساربان‌ها، شتران را در هر روز دو منزل سیر می‌دادند که هر منزل یک برید نامیده می‌شد. در حالت عادی نه بیشتر از آن سیر می‌دادند و نه کمتر، چه در روزهای بلند، مثل روزهای تابستان و چه در روزهای کوتاه <sup>۴۴</sup>.



کرمثل روزهای زمستان؛ بر همین اساس، این مقدار مسافت را مسیر یک روز نامیدند. در روایاتی که تعبیری مانند مسیر روز یا روشنایی روز یا دو برید یا برید در برید آمده است، همه اشاره به چیزی دارند که نشان دهنده‌ی تحقق سیر هشت فرسخ است.

با این بیان، تفسیر روایت چهارم از روایاتی که حاکم فرض شده بود، روشن می‌شود و آن روایت محمد بن مسلم از امام باقر (ع) است: «از امام در مورد کوتاه شدن نماز پرسیدم، فرمود: در یک برید. گفتم: در یک برید؟ فرمود: وقتی یک برید برود و برگردد یک روز او پُر می‌شود». و سائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۹، باب ۲ از ابواب صلاة المسافر، ح ۹.

این جمله، یعنی این که امام (ع) می‌خواهد علامتی تعیین کند تا معلوم شود یک برید رفت و یک برید برگشت، مساوی هشت فرسخ است؛ چون یک روز زمان می‌برد و در سیر یک روزه با شتر هشت فرسخ طی می‌شود.

اما خبر فضل بن شاذان، یعنی روایت دوم و سوم از روایاتی که حاکم و مفسر سایر روایات فرض شده بود و مقیاس زمانی را مقیاس حقیقی قرار داده بود نه مقیاس مکانی را «نماز در هشت فرسخ کوتاه است نه کمتر از آن و نه بیشتر؛ زیرا هشت فرسخ برای مردم و قافله‌ها و برای حمل بارها مسیر یک روز است و در مسیر یک روز، نماز کوتاه است».

و در علل الشرایع و عیون اخبار الرضا (ع) این عبارت اضافه شده است: «و قد یختلف المسیر، فسیر البقر انما هو اربعة فراسخ...» امام (ع) در این روایت تأکید می‌کند که فقط در هشت فرسخ، نماز کوتاه می‌شود، نه کمتر و نه بیشتر. این تأکید، تقریباً صریح در آن است که موضوع حقیقی کوتاه شدن نماز، سیر هشت فرسخ است؛ بنابراین تعلیلی که در این مقام آمده است، برای بیان حکمت است نه علتی که در حقیقت موضوع باشد و بود و نبود حکم دائر مدار آن باشد.

روایاتی که در مورد علل احکام وارد شده است، به طور غالب صرفاً حکمت‌ها و مصلحت‌ها را بیان می‌کنند و این موجب انتزاع موضوع جدیدی برای حکم و اسقاط موضوع اول از موضوعیت نمی‌شود. علاوه بر آن که خبر مذکور از نظر سند اشکال دارد؛ بنابراین هیچ حدیثی در مقام باقی نمی‌ماند که ادعا شود حاکم بر روایات مقیاس مکانی است و مقیاس زمانی را اثبات می‌کند، مگر صحیحه عبدالله بن یحیی کاهلی: «از امام صادق شنیده شد که درباره‌ی کوتاه شدن نماز فرمود: یک برید در یک برید، یعنی بیست و چهار میل. سپس فرمود: پدرم می‌فرمود: در کوتاه شدن نماز، قاطر تندرو و یا حیوان سریع السیر ملاک نیست، بلکه ملاک حرکت قطار شتران است». من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۳۶، ح ۱۳۶۸؛ و سائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۲، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۳.

در واقع این روایت هیچ اشاره‌ای - نه قریب و نه بعید- به واحد زمانی ندارد، بلکه به طور روشن دلالت می‌کند که مقیاس سفر، برید در برید است.

برید یعنی یک منزل که مسافری پس از طی مسیر برای استراحت و بارانداز، در وسط روز انتخاب می‌کردند و در سفر یک روز، دو برید طی می‌کردند. بنابراین، این سؤال پیش می‌آید که مقدار مسافت برید، بستگی به آن دارد که با چه وسیله‌ای سیر کنند. اگر با قاطر تندرو یا حیوان سریع السیر حرکت کنند مقدار آن نسبت به زمانی که با قافله شتران برابر سیر کنند، متفاوت خواهد بود؛ بنابراین جای سؤال بود که مقصود، کدام برید است و چرا برید به بیست و چهار میل تفسیر شده است در حالی که بریده‌ها متفاوت است؟

امام (ع) جواب دادند که پدرم فرمود: «ملاک در کوتاه شدن نماز، قاطر تندرو یا حیوان سریع السیر نیست، بلکه ملاک سیر قطار یعنی همان قافله‌ی شترانی است که حمل بار می‌کنند». روشن است مقدار مسافتی را که شتران حامل بار در این زمان طی می‌کنند فرقی با زمان گذشته ندارد. تنها فرق در این است که در این زمان، دیگر از شتر برای سیر استفاده نمی‌شود نه آن که مقدار سیر شتران با گذشته تفاوت کرده باشد. در این روایت، قبل از جمله‌ی «قاطر تندرو و یا حیوان سریع السیر» هیچ اشاره‌ای به مقیاس زمانی نشده است، تا عبارت را این گونه معنی کنیم که مقیاس زمانی، باید با سیر متعارف سنجیده شود. آنچه که در روایت وارد شده صرفاً، برید و امیال است، پس عبارت ذیل را، باید اشاره به چگونگی تطبیق برید بر امیال دانست.

گویا استدلال کنندگان به این روایت گمان کرده‌اند برید همانند فرسخ و میل، نام مقدار معینی از مسافت است، در حالی که این گونه نیست. برید به معنای منزل‌های سفری است که در آن زمان مرسوم بوده است و منظور از آنچه در روایات آمده و برید را به چهار فرسخ تفسیر کرده سیر شتران است که مساوی با چهار فرسخ می‌باشد.

۲. در طول سفر قصد نداشته باشد که از وطن خود عبور کند، و هم چنین قصد نداشته باشد که قبل از رسیدن به مسافت شرعی، در جایی ده روز بماند.
  ۳. سفر او باید سفر مباح باشد. یعنی سفر حرام نباشد.
  ۴. از افرادی نباشد که سفر را به عنوان شغل برای خود انتخاب کرده باشد.
  ۵. از افرادی نباشد که خانه‌اش به همراه او است.
  ۶. به حد ترخص برسد، منظور از حد ترخص جایی است که دیگر اهل شهر و وطن خود را نبیند و یا صدای اذان آن جا را نشنود.<sup>۱</sup>
- در ادامه بحث به توضیح بیشتر این مطالب می‌پردازیم. «FG»

- |  |   |                |
|--|---|----------------|
| <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. قصد طی کردن مسافت شرعی.</li> <li>۲. عدم قصد مرور از وطن در طی مسیر و عدم قصد اقامت ده روز.</li> <li>۳. مباح بودن سفر.</li> <li>۴. شغل نبودن سفر.</li> <li>۵. خانه به دوش نبودن.</li> <li>۶. رسیدن به حد ترخص.</li> </ol> | } | شرائط قصر نماز |
|--|---|----------------|

۱. بیشتر بدانیم: حد ترخص در اصطلاح فقه به مکانی اطلاق می‌شود که مسافر با رسیدن به آن جا دیوار خانه‌های شهر را نبیند و اذان را نشنود. از این عنوان در باب صلوات سخن گفته‌اند.

از شرایط مشروعیت یافتن تقصیر نماز و افطار روزه برای مسافر، رسیدن او به حد ترخص است؛ چنان که هنگام بازگشت از سفر، حد ترخص، نقطه‌ی پایان مشروعیت قصر نماز خواهد بود.

در اینکه معتبر در حد ترخص، تحقق یکی از دو ملاک یاد شده «ندیدن دیوار خانه‌های شهر و نشنیدن اذان» است، یا هر دو با هم، و یا نشنیدن صدای مؤذن به تنهایی و یا ندیدن دیوار خانه‌های شهر به تنهایی، اختلاف است. قول اول به مشهور متقدمان و قول دوم به مشهور متأخران منسوب است.

اختلاف موجود در حد ترخص، هم زمان رفتن شخص به سفر را شامل می‌شود و هم زمان بازگشت او از سفر را؛ لیکن برخی از کسانی که تحقق هر دو امر را معتبر دانسته‌اند، بین رفتن به سفر و بازگشت از آن به وطن تفصیل داده و در صورت نخست حد ترخص را عبارت از تحقق هر دو امر فوق دانسته و در فرض دوم قائل به وجوب قصر نماز برای مسافر تا رسیدن به خانه‌ی خود شده‌اند؛ چنان که برخی از کسانی که قائل به کفایت یکی از دو امر یاد شده، در تحقق حد ترخص در رفتن به سفر شده‌اند، هنگام بازگشت، تقصیر نماز را تا حد شنیدن صدای مؤذن واجب می‌دانند.

در اینکه حد ترخص در شهرهای بسیار بزرگ همانند حد ترخص در شهرهای متوسط و کوچک است یا اینکه حد ترخص در آن‌ها عبارت است از ندیدن دیوار آخرین خانه‌های محله‌ای که در آن سکونت دارد و نشنیدن اذان آن، اختلاف است. بنابر قول دوم، مبدأ مسافت در بلاد کبیره آخر محله است نه آخر شهر.

منبع: فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص: ۲۴۶

## تطبيق

## صلاة المسافر.

تقصر الرباعية بالسفر الى ثنتين بشرط:

نماز چهار رکعتی به واسطه سفر کوتاه شده تبدیل به دو رکعتی می شود به شرط این که:

القصد المستمر لقطع المسافة - ثمانية فراسخ - امتدادية او ملفقة و لو لم يرد الرجوع في نفس اليوم.

قصد داشته باشد مسافتی را طی کند که هشت فرسخ است، حال ممتد باشد «فقط رفت باشد» و یا تلفیقی «رفت و برگشت» باشد، هر چند اراده نداشته باشد که در همان روز برگردد.

و عدم قصد المرور بالوطن او اقامة عشرة قبل بلوغ المسافة.

و قصد عبور از وطن خود را نداشته باشد و یا قصد ماندن ده روز قبل از رسیدن به هشت فرسخ را نداشته باشد.

و ان يكون السفر مباحا.

و این که سفر مباح باشد.

و عدم اتخاذ السفر عملا.

و سفر را به عنوان شغل انتخاب نکرده باشد.

و ان لا يكون ممن بيته معه.

از کسانی نباشد که خانه اش به همراه او است.

و الوصول الى حد الترخص، و هو المكان الذي لا يري فيه اهل البلد او لا يسمع فيه صوت اذانه.

و رسیدن به حد ترخص، و حد ترخص مکانی است که اهل شهرش را نبیند و یا صدای اذان شهرش را نشنود.

SCO۱۹:۳۸

## دليل قصر نماز مسافر

این مطلب از مسائلی است که علمای شیعه در مورد آن اتفاق نظر دارند، و به حدی است که از ضروریات فقه شیعه به حساب می آید.

در مقابل، قول اهل سنت است که قائل به تخییر مسافر بین کامل یا قصر خواندن نماز هستند.

اهمیت این مطلب را می توان از روایاتی که در این زمینه وارد شده اند به دست آورد، از جمله روایت: قصر نماز هدیه ای از جانب خداوند است نسبت به فرد مسافر، آیا کسی از شما دوست دارد وقتی هدیه ای داد به او باز گردانده شود؟

از فراز آخر روایت که فرموده آیا کسی از شما دوست دارد هدیه را به او باز گردانند به خوبی به دست می آید همان طور که هیچ کس دوست ندارد هدیه اش به او باز گردانده شود، خداوند نیز دوست ندارد متنی که به مسافر نهاده مورد توجه قرار نگیرد و مسافر بخواهد نمازش را تمام بخواند، و مبعوض بودن این عمل نزد خداوند واضح می شود.

و در روایت دیگری زراره از امام باقر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند که حضرت قومی را که در مسافرت وقتی وظیفه آن‌ها قصر نماز و نگرفتن روزه بود اما با این حال هم روزه می‌گرفتند و هم نماز را کامل می‌خواندند، قوم گنهکار نامیده و فرمودند: آن‌ها تا روز قیامت گنهکار هستند.

از این روایت هم به خوبی می‌توان اهمیت مسأله قصر نماز در سفر را استفاده نمود.

دلیل اختصاص قصر به نمازهای چهار رکعتی

قصر نماز در سفر اختصاص به نمازهای چهار رکعتی دارد، لذا شامل نماز مغرب و نماز صبح نمی‌شود؛ و به این گونه است که دو رکعت از نمازهای چهار رکعتی حذف می‌شود. یعنی مسافر نمازهای چهار رکعتی را باید دو رکعت بخواند.

این مطلب هم از ضروریات دین محسوب می‌شود؛ و روایاتی هم در این زمینه وارد شده که بر این مطلب دلالت دارند.

دلیل شرطیت طی مسافت شرعی در قصر نماز

از جمله شروط قصر نماز این است که فرد مسافر مسافت معینی که در شرع تعیین شده را طی کند؛ و در غیر این صورت مسافر محسوب نشده در نتیجه نماز او هم تمام خواهد بود.

این مطلب هم از مسائلی است که در بین علمای شیعه اختلافی در آن وجود ندارد. اما افراد خاصی مثل داود بن علی ظاهری و محمد بن حسن، صدق عنوان مسافر را در مسافر بودن و قصر نماز کافی می‌دانند.

دلیل اعتبار هشت فرسخ برای تحقق سفر شرعی

مسافتی را که مسافر باید طی کند تا عنوان مسافر بر او صدق کند هشت فرسخ است، روایات زیادی در این زمینه وارد شده که مصنف تعداد آن‌ها را حدود ۲۰ الی ۳۰ روایت ذکر می‌کند. اما آن چه باید مورد بررسی واقع شود این است که ظاهر این روایات با هم مختلف است و تعبیراتی که در آن‌ها به کار رفته متفاوت است:

در بعضی از روایات تعبیر به هشت فرسخ شده، در بعضی دیگر به مقدار مسافتی که در طول روشنایی یک روز طی می‌شود، در بعضی دو برید که هر برید چهار فرسخ است، در بعضی ۲۴ میل، در بعضی به مقدار طی مسافت در یک روز، در بعضی چهار فرسخ در چهار فرسخ.

در بعضی هم تعبیر به چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ برگشت، چهار فرسخ رفت، چهار فرسخ، طی ۱۲ میل، و چهار فرسخ وارد شده، که این دسته حمل می‌شود بر کسی که این مقدار را رفته و قصد کرده که همین مقدار را هم برگردد. اما با همه این اوصاف آن چه از این روایات به دست می‌آید این است که با محاسبه مقدار ذکر شده در آن‌ها روشن می‌شود منظور همان هشت فرسخ است؛ لذا اختلاف تعبیر در روایات این باب موجب به وجود آمدن تعارض بین آن‌ها نیست.

## تطبيق

و المستند في ذلك:

۱. اما لزوم القصر في السفر و عدم التخيير بينه و بين الاتمام - كما هو عند غيرنا<sup>۱</sup> - فمما لم يقع فيه خلاف بيننا بل هو من الضروريات.

لزوم قصر نماز و اين كه مخير نيست بين قصر و كامل خواندن - همان گونه كه نزد غير شيعه (اهل سنت) است - از مسائلي است كه اختلافي بين شيعه در آن نيست بلكه از مسائل ضروري است.

وفي الحديث: «ان التقصير صدقة من الله بها على المسافر، و هل يسر احدكم اذا تصدق بصدقة ان ترد عليه<sup>۲</sup>».

در روايت آمده است: قصر بودن نماز صدقه‌اي است كه خداوند به وسيله آن بر مسافر منت نهاده است، و آيا كسي از شما دوست دارد وقتي صدقه‌اي داد به او برگردانده شود؟

و في حديث زرارَةَ عن ابي جعفر عليه السلام «سمى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قوما صاموا حين افطر و قصر عصاة و قال: هم العصاة الي يوم القيامة، و انا نعرف ابنائهم و ابناء ابنائهم الي يومنا هذا<sup>۳</sup>».

و در حديث زرارهِ از امام باقر عليه السلام آمده است: پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله وسلم قومي كه وقتي بايد افطار مي‌كردند و نماز را قصر مي‌خواندند روزه گرفتند را، معصيت كار ناميد و فرمود: آنها تا روز قيامت معصيت كار هستند، و ما فرزندان و فرزندان فرزندان آنها را تا امروز مي‌شناسيم.

۲. و اما ان القصر يختص بالرباعية و بحذف الركعتين، فهو من الضروريات ايضا؛ و تدل عليه بعض النصوص<sup>۴</sup>.

و اما اين كه قصر اختصاص به نماز چهار ركعتي دارد و دو ركعت از آن كم مي‌شود، از ضروريات است؛ و برخي از نصوص هم بر آن دلالت دارند.

۳. و اما اشتراط القصر بقطع مسافة معينة، فهو مما لا خلاف فيه بيننا.

و اما اين كه در قصر بايد مسافت معين طي شود، اين هم از مسائلي است كه بين شيعه اختلافي در آن نيست.

و نسب الي داود بن علي الظاهري و محمد بن الحسن الاكثفاء بصدق عنوان المسافر<sup>۵</sup>.

البته به داود بن علي ظاهري و محمد بن الحسن نسبت داده شده كه «در قصر» به صدق عنوان مسافر اکتفاء کرده‌اند.

۴. و اما ان مقدار المسافة ثمانية فراسخ، فقد دلت عليه روايات تتراوح بين ۲۰ - ۳۰ رواية، ورد في بعضها التعبير بثمان فراسخ، و بياض يوم، و ۲۴ ميلا، و مسيرة يوم، و برید فی برید؛ و المقصود من الجميع واحد.

۱. الفقه على المذاهب الاربعه: ۴۲۷/۱.

۲. وسائل الشيعه: باب ۲۲ من ابواب صلاة المسافر، حديث ۷.

۳. المصدر: باب ۲۲ من ابواب صلاة المسافر، حديث ۵.

۴. المصدر: باب ۱۶ من ابواب صلاة المسافر.

۵. الحدائق الناضرة: ۳۰۰/۱۱.

اما این که مقدار آن مسافت هشت فرسخ است، روایاتی که به ۲۰ یا ۳۰ روایت می‌رسند بر آن دلالت دارند که در بعضی از آن‌ها تعبیر به هشت فرسخ شده، و در بعضی به «مقدار طی مسافت» روشنایی یک روز، و در بعضی ۲۴ میل، و در بعضی به مقدار طی مسافت یک روز، و در بعضی چهار فرسخ در چهار فرسخ، و مقصود از همه این‌ها یک چیز است «هشت فرسخ».

و فی بعضها عبر: برید ذاهبا و برید جائیا، و مسیره ۱۲ میلا، و اربعة فراسخ؛ و ذلک محمول علی من یقصد الرجوع. و در بعضی از روایات تعبیر شده: چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد، و به اندازه ۱۲ میل، و چهار فرسخ. البته این حمل می‌شود بر کسی که قصد رجوع (در آن روز) را دارد. SCO۲۱:۳۸

### دلیل اعتبار قصد طی مسافت شرعی

مسافر در طول سفر خود باید قصد طی مسافت هشت فرسخ را داشته باشد، و طی مسافت بدون قصد در صدق عنوان مسافر و قصر نماز کافی نیست.

این مطلب را می‌توان از این راه اثبات کرد:

فردی که قصد سفر کرده وقتی به حد ترخص برسد باید نمازش را قصر بخواند. آن چه واضح است این است که در این صورت مسافر هنوز مقدار هشت فرسخ را طی نکرده، با این که شرط قصر طی مسافت شرعی است، حال سؤال این است که چرا با این که هشت فرسخ نرفته اما تکلیف او قصر نماز است؟ با توجه به این نکته که این مسأله مورد اتفاق است و اختلافی در آن نیست و علما قبول دارند که وقتی به حد ترخص رسید تکلیف او قصر نماز است این مطلب به دست می‌آید که آن چه اهمیت دارد قصد مسافرت است که باعث می‌شود نماز را در حد ترخص قصر بخواند؛ لذا اگر قصد نداشته باشد نمی‌تواند نماز را قصر بخواند هر چند که هشت فرسخ هم طی کرده باشد.

علاوه بر این مطلبی که ذکر شد، از موثقه عمار هم که در ادامه بحث مطرح خواهد شد می‌توان اعتبار قصد را در قصر نماز استفاده کرد. «FG»

- |   |   |                        |
|---|---|------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. لزوم قصر در سفر: ضروری دین و حدیث زراره.</li> <li>۲. اختصاص قصر به نمازهای چهار رکعتی: ضروری دین و دلالت نصوص.</li> <li>۳. اشتراط قصر به طی مسیر شرعی: اجماع.</li> <li>۴. هشت فرسخ بودن مسافت شرعی: تواتر روایات.</li> <li>۵. اعتبار قصد سفر در قصر نماز: جواز تقصیر در حد ترخص.</li> </ol> | } | مستندات احکام قصر نماز |
|---|---|------------------------|

۱. یمكن ملاحظه الروایات المذكوره فی الابواب الاولى من صلاه المسافر فی وسائل الشیعه.

## تطبيق

۵. و اما اعتبار القصد، فيمكن اثباته بان التقصير لما جاز عند حد الترخص بالرغم من عدم تحقق قطع المسافة خارجا، فللازم ذلك كون المدار على قصد القطع.

اما اين كه قصد (طی مسافت در قصر) معتبر است، امکان دارد آن را اثبات کنیم به این که قصر کردن نماز وقتی به حد ترخص رسید جایز است در حالی که هنوز طی مسافت (هشت فرسخ) در خارج محقق نشده است، لازمه این مطلب این است که ملاک (در قصر) قصد طی مسافت است.

هذا مضافا الى امکان التمسك بموثقة عمار الآتية في رقم (۸).

علاوه بر این امکان دارد با استناد به موثقه عمار این مطلب را استفاده کرد، که در مستند شماره ۸ ذکر خواهد شد.

SCO۲۵:۵۲

## چکیده

۱. نمازهای چهار رکعتی با شش شرط در سفر تبدیل به دو رکعتی می‌شوند: قصد کند هشت فرسخ را طی کند و در طول مسیر بر قصد خود باقی باشد. قصد عبور از وطن خود را در طول سفر نداشته باشد. سفر او مباح باشد، یعنی سفر معصیت نباشد. سفر را به عنوان شغل انتخاب نکرده باشد. از افرادی نباشد که خانه‌اش به همراه او است. به حد ترخص برسد.
۲. قصر نماز در سفر بین علمای شیعه اتفاقی است و از ضروریات فقه شیعه محسوب می‌شود، بر خلاف اهل سنت که مسافر را بین قصر و اتمام نماز در سفر مخیر می‌دانند.
۳. قصر نماز مخصوص نمازهای چهار رکعتی است، لذا نماز صبح و مغرب در سفر قصر نمی‌شوند.
۴. شرط قصر نماز در سفر طی مسافت شرعی است که هشت فرسخ است.
۵. شرط قصر نماز در سفر این است که مسافر قصد طی هشت فرسخ را داشته باشد، دلیل آن هم این است که مسافر وقتی قصد سفر دارد باید در حد ترخص با این که هنوز هشت فرسخ را طی نکرده نمازش را قصر بخواند.